

معنی کلمات درس پنجم عربی دهم انسانی

سَائِل: مایع	بوم، بومَه: جغد	اِبْتَعَدَ: دور شد «حَتَّى تَبْتَعدَ: تا دور شود»
ضَوء: نور «جمع: أضواء»	تَأَثَّرَ: تحت تأثیر قرار گرفت	اِتَّجَاه: جهت
ظَلَام: تاریکی	تَحْتَوَى: در بر دارد	أَدَارَ: چرخاند، اداره کرد «أَنْ تُدِيرَ: که بچرخاند»
عَوَضَ: جبران کرد	تَحَرَّكَ: حرکت کرد	أَنْ تَرَى: که ببیند
قِطْر: گربه	تَشْتَرُ: پخش می‌کند	اِسْتَفَادَ: بهره بُرد «أَنْ يَسْتَفِيدَ: که بهره ببرد»
لَعِقَ: لیسید	جُرْح: زخم	إِضَافَةٌ إِلَى: افزون بر
مُضِئ: نورانی	حَرَكَ: حرکت داد	أَعْشَابٌ طِبِّيَّة: گیاهان دارویی «مفرد: عَشْبٌ طِبِّي»
مُطَهِّر: پاک کننده	حَوَّلَ: تبدیل کرد	أَفْرَزَ: ترشح کرد
وَقَايَه: پیشگیری	حِرْبَاء: آفتاب پرست	اِلْتَأَمَ: بهبود یافت «حَتَّى يَلْتَمِ: تا بهبود یابد»
مَلَك: مالک شد، دارد، فرمانروایی کرد	دَلَّ: راهنمایی کرد	اِلْتِقَاطُ صُورٍ: عکس گرفتن
يَسْتَطِيعُ: می‌تواند	دُونَ أَنْ: بی‌آنکه «دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ: بی‌آنکه حرکت بدهد»	إِنَارَه: نورانی کردن
يَسْتَعِينُ بِ: از ... یاری می‌جوید	ذَنْب: دُم «جمع: أذنان»	بَرَى: خشکی، زمینی «نَبَاتٌ بَرِّيَّة: گیاهان صحرایی»
يَنْبُعْثُ: فرستاده می‌شود	رَيْت: روغن «جمع: رُيوت»	بَطَّ، بَطَه: اردک
	سَارَ: حرکت کرد، به راه افتاد	بَكْتِيرِيَا: باکتری

جواب درست نادرست صفحه ۷۱ عربی دهم

عَيْنِ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ.

معنی: جملات صحیح و نادرست را با توجه به حقایق و حقایق شناسایی کنید.

۱- لِلزَّرَافَةِ صَوْتٌ يُحَذِّرُ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَعدَ عَنِ الْخَطَرِ ❌. نادرست

معنی: زرافه صدایی دارد که به حیوانا هشدار میدهد تا از منطقه خطر دور شوند.

۲- تَحْوُلُ الْأَسْمَاكُ الْمُضِيئَةُ ظِلَامَ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيٍّ ✅. درست

معنی: ماهیهای نورانی تاریکی دریا را به روشنایی روز تبدیل میکنند

۳- تَسْتَطِيعُ الْجِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي اتِّجَاهٍ وَاحِدٍ فَقَطْ ❌. نادرست

معنی: آفتابپرس میتواند چشمانش را در یک جهت بچرخاند

۴- لِسَانُ الْقِطِّ مَمْلُوءٌ بِغَدِّ تَفْرِزُ سَائِلًا مُطَهَّرًا ✅. درست

معنی: زبان گربه پر از غده هایی است که مایعی پاک کننده ترشح میکنند.

۵- لَا تَعِيشُ حَيَوَانَاتٌ مَائِيَّةٌ فِي أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ ❌. نادرست

معنی: حیواناتی آبی در اعماق اقیانوس زندگی نمیکند.

۶- يَتَحَرَّكُ رَأْسُ الْبُومَةِ فِي اتِّجَاهٍ وَاحِدٍ ❌. نادرست

معنی: سر جغد در یک جهت حرکت میکند.

معنی صفحه ۷۳ عربی دهم انسانی

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ

♦ تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ ثُمَّ عَيْنِ الْمَحَلِّ الْأَعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلوَّنَةِ.

احادیث را ترجمه کنید، سپس عطف کلمات رنگی را مشخص کنید.

۱- الْحَسَدُ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ، كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ.

معنی: حسد خوبی ها را می خورد، همان طور که آتش هیزم را می خورد.

الْحَسَدُ: مبتدا

النَّارُ: فاعل

الْحَطَبُ: مفعول

۲- مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ شَيْئاً أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ .

معنی: خداوند چیزی را برای بندگان بهتر از عقل قسمت نکرد.

الله: فاعل

شَيْئاً: مفعول

۳- ثَمَرَةُ الْعِلْمِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ.

معنی: نتیجه علم خالص کردن عمل است.

ثَمَرَةُ: مبتدا

إِخْلَاصُ: خبر

معنی حوار صفحه ۷۴ عربی دهم

♦ در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

مَعَ سَائِقِ سَيَّارِهِ الْأَجْرِهِ

با راننده تاکسی

السَّائِقُ معنی: گردشگر	سَائِقُ سَيَّارِهِ الْأَجْرِهِ معنی: راننده تاکسی
أَيُّهَا السَّائِقُ، نُرِيدُ أَنْ نَذْهَبَ إِلَى الْمَدَائِنِ. معنی: ای راننده! می‌خواهیم به مداین برویم.	أَنَا فِي خِدْمَتِكُمْ. تَفَضَّلُوا. معنی: من در خدمت شما هستم. بفرمایید.
كَمْ الْمَسَافَةُ مِنْ بَغْدَادَ إِلَى هُنَاكَ؟ معنی: مسافت از بغداد تا آنجا چقدر است؟	أُظَنُّ الْمَسَافَةَ سَبْعَةً وَ ثَلَاثِينَ كِيلُومِتْرًا. عَجِيبٌ؛ لَمْ تَذْهَبُوا إِلَى الْمَدَائِنِ؟ معنی: گمان می‌کنم ۳۷ کیلومتر باشد، عجیب است؛ چرا به آنجا می‌روید.
لِزِيَارَةِ مَرْقَدِ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ وَ مُشَاهَدَةِ طَاقِ كِسْرَى؛ لِمَاذَا تَتَعَجَّبُ؟ معنی: برای زیارت مرقد سلمان فارسی و دیدن طاق کسری؛ چرا تعجب می‌کنی؟	لَإِنَّهُ لَا يَذْهَبُ إِلَى الْمَدَائِنِ إِلَّا قَلِيلٌ مِنَ الزَّوَارِ. معنی: برای اینکه جز تعداد اندکی از زائران به مداین نمی‌روند.
فِي الْبِدَايَةِ تَشَرَّفْنَا بِزِيَارَةِ الْعَتَبَاتِ الْمُقَدَّسَةِ فِي الْمَدْنِ الْأَرْبَعَةِ كَرْبَلَاءَ وَ النَّجَفِ وَ سَامَرَاءَ وَ الْكَاظِمِيَّةِ. معنی: در ابتدا به زیارت عتبات مقدس در شهرهای چهارگانه (کربلا ، نجف ، سامرا و کاظمین) مشرف شدیم.	زِيَارَةُ مَقْبُولَةٍ لِلْجَمِيعِ! أَتَعْرِفُ مَنْ هُوَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ أَمْ لَا؟ معنی: زیارت همه قبول باشد، آیا می‌دانی سلمان فارسی کیست یا نه؟
نَعَمْ؛ أَعْرِفُهُ، إِنَّهُ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ وَ أَصْلُهُ مِنْ إِصْفَهَانَ. معنی: بله؛ او را می‌شناسم. او از یاران پیامبر(ص) است و اصل و نسبش اصفهانی است.	أَحْسَنْتَ! وَ هَلْ لَكَ مَعْلُومَاتٌ عَنْ طَاقِ كِسْرَى؟ معنی: آفرین! آیا معلوماتی درباره طاق کسری داری؟
بِالتَّأَكُّيدِ؛ إِنَّهُ أَحَدُ قُصُورِ الْمُلُوكِ السَّاسَانِيِّينَ قَبْلَ الْإِسْلَامِ. معنی: البته؛ قطعاً آن یکی از قصرهای پادشاهان ساسانی قبل از اسلام است. قَدْ أُنْشِدَ شَاعِرَانِ كَبِيرَانِ قَصِيدَتَيْنِ عِنْدَ مُشَاهَدَتِهِمَا إِيْوَانَ كِسْرَى : معنی: دو شاعر بزرگ، دو قصیده‌ای هنگام دیدن‌شان از ایوان کسری سروده‌اند،	مَا شَاءَ اللَّهُ! معنی: ماشاءالله! بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ! معنی: آفرین بر تو! مَعْلُومَاتُكَ كَثِيرَةٌ! معنی: معلومات تو زیاد است!

الْبُحْثِيُّ مِنْ أَكْبَرِ شُعْرَاءِ الْعَرَبِ، وَ خَاقَانِيّ، الشَّاعِرُ الْإِيرَانِيّ.
معنی: بحرّی از بزرگترین شاعران عرب و خاقانی، شاعر ایرانی.

جواب تمرین صفحه ۷۵ درس ۵ عربی دهم انسانی

♦ تمرین یک _ الاول

□ أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ؟

کدام یک از کلمات لغتنامه برای توضیحات زیر مناسب است؟

۱ - طَائِرٌ يَسْكُنُ فِي الْأَمَاكِنِ الْمَتْرُوكَةِ يَنَامُ فِي النَّهَارِ وَ يَخْرُجُ فِي اللَّيْلِ). البومه: جغد)
معنی: پرندهای که در جاهای متروکه زندگی می‌کند، روز می‌خوابد و شب بیرون است.

۲ - عُضْوٌ فِي جِسْمِ الْحَيَوَانِ يُحَرِّكُهُ غَالِبًا لِطَرْدِ الْحَشَرَاتِ). الذَّنْبُ: دم)
معنی: عضوی در بدن حیوان که معمولاً آن را برای راندن حشرات تکان می‌دهد.

۳ - نَبَاتَاتٌ مُفِيدَةٌ لِلْمُعَالَجَةِ نَسْتَفِيدُ مِنْهَا كَدَوَاءٍ). الْأَعْشَابُ الطَّبِّيَّةُ : گیاهان دارویی)
معنی: گیاهان مفیدی برای معالجه که از آنها مانند دارو استفاده می‌کنیم.

۴ - طَائِرٌ يَعِيشُ فِي الْبَرِّ وَ الْمَاءِ). الْبَطُّ: اردک)
معنی: پرندهای که در خشکی و آب زندگی می‌کند.

۵ - عَدَمُ وُجُودِ الضَّوِّ). الظَّلَامُ: تاریکی)
معنی: نبودن نور.

۶ - نَشْرُ النُّورِ). الْإِنَارَةُ: نور دادن)
معنی: انتشار نور

جواب تمرین صفحه ۷۶ درس ۵ عربی دهم

♦ تمرین دوم _ الثاني

□ عَيْنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةِ وَ الْمُتَضَادَّةِ = .

مترادف و متضاد را شناسایی کنید

سَلَمَ # حَرْب صلح جنگ	اِسْتَطَاعَ = قَدَرَ توانست توانست
إِحْسَانُ # إِسَاءَةٌ نیکی کردن بدی کردن	اِقْتَرَبَ # اِبْتَعَدَ نزدیک شد دور شد
ظَلَامٌ # ضِيَاءٌ تاریکی روشنایی	بَنَى = صَنَعَ ساخت ساخت
نُفَايَةٌ = زُبَالَةٌ زباله زباله	عَدَاوَةٌ # صَدَاقَةٌ شمنی دوستی
حُجْرَةٌ = غُرْفَةٌ اتاق اتاق	غَيْمٌ = سَحَابٌ ابر ابر
قَرَبٌ # بَعْدٌ نزدیک شد دور شد	يَنْبُوعٌ = عَيْنٌ چشمه چشمه
مِنْ فَضْلِكَ = رَجَاءٌ لطفا لطفا	فَرَحٌ # حَزِينٌ شاد غمگین
جَاهِزٌ = حَاضِرٌ آماده آماده	غُصَّةٌ = حُزْنٌ غم غم

سَلَمَ # حَرْب صلح / جنگ	اِسْتَطَاعَ = قَدَرَ توانست
إِحْسَانٌ # إِسَاءَةٌ نیکی / بدی	اِقْتَرَبَ # اِبْتَعَدَ نزدیک شد / دور شد
ظَلَامٌ # ضِيَاءٌ تاریکی / روشنایی	بَنَى = صَنَعَ ساخت
نُفَايَةٌ # زُبَالَةٌ زباله	عَدَاوَةٌ # صَدَاقَةٌ دشمنی / دوستی
حُجْرَةٌ = غُرْفَةٌ اتاق	غَيْمٌ = سَحَابٌ ابر
قَرَبٌ # بَعْدٌ نزدیک / دور	يَنْبُوعٌ = عَيْنٌ جوی پر آب / چشمه

فَرَحٌ = حَزِينٌ شاد / غمگین	مِنْ فَضْلِكَ = رَجَاءٌ خواهشمندم (لطفاً)
غَصَّه = حُزْنٌ ناراحتی	جَاهِزٌ = حَاضِرٌ آماده

جواب تمرین صفحه ۷۷ درس ۵ عربی دهم

♦ تمرین سوم _ الثالث

■ أَكْتُبِ اسْمَ كُلِّ صَوْرَةٍ فِي الْفَرَاغِ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

نام هر تصویر را در جای خالی بنویسید، سپس مشخص کنید چه چیزی از شما خواسته می شود.

الْبَطُّ = اردک / الْكِلَابُ = سگ ها / الْغُرَابُ = کلاغ / الطَّاوُوسُ = طاووس / الْحِرْبَاءُ = آفتاب پرست / الْبَقَرَةُ = گاو



۱- تُعْطَى الْبَقَرَةُ الْحَلِيبَ.

گاو شیر می دهد
الْفَاعِلُ: الْبَقَرَةُ



۲- يُرْسِلُ الْغُرَابُ أَخْبَارَ الْغَابَةِ.

کلاغ خبرهای جنگل را می فرستد
الْمَفْعُولُ: أَخْبَارَ



۳- ذَنْبُ الطَّاوُوسِ جَمِيلٌ.

دم طاووس زیبا است.
الْمُضَافُ إِلَيْهِ: الطَّاوُوسُ



۴- الْحِرْبَاءُ ذَاتُ عُيُونٍ مُتَحَرِّكَةٍ.

آفتاب پرست چشمانی متحرک دارد.
الْصِّفَةُ: مُتَحَرِّكَةٍ



۵- الشَّرْطِيُّ يَحْفَظُ الْأَمْنَ بِالْكِلَابِ.

پلیس با سگ ها امنیت را حفظ می کند.
الْمُبْتَدَأُ: الشَّرْطِيُّ



۶- الْبَطُّ طَائِرٌ جَمِيلٌ.

اردک پرندۀ زیبایی است.
الْخَبَرُ: طَائِرٌ

جواب تمرین صفحه ۷۸ درس ۵ عربی دهم

♦ تمرین چهارم _ الرابع

عَيْنِ الْفَاعِلِ وَ الْمَفْعُولِ مِنَ الْكَلِمَاتِ الْمُتَوَنِّه.

معنی: فاعل و مفعول کلمات رنگی را مشخص کنید.

مفهوم رنگ: فاعل | مفعول

۱- ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾

معنی: پس خداوند آرامش خود را بر پیامبرش و بر مؤمنان نازل کرد.

الله: فاعل / سَكِينَةً: مفعول

۲- ﴿لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ﴾

معنی: برای خود سود و ضرری ندارم جز آن که خدا بخواهد.

نَفْعًا: مفعول

۳- ﴿وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ﴾

معنی: و او کسی است که توبه را از بندگان قبول می‌کند.

التَّوْبَةَ: مفعول

۴- ﴿وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾

معنی: و پروردگارت به کسی ظلم نمی‌کند.

ربُّ: فاعل / أَحَدًا: مفعول

۵- ﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ﴾

معنی: خداوند برای شما آسانی را می‌خواهد.

الله: فاعل / الْيُسْرَ: مفعول

♦ تمرین پنجم _ الخامس

عَيْنِ الْمُبْتَدَأِ وَ الْخَبَرِ فِي الْأَحَادِيثِ التَّالِيَةِ.

مبتدا و خبر را در احادیث زیر مشخص کنید.

مفهوم رنگ: مبتدا | خبر

۱- اَللَّذُّمُّ عَلَى السُّكُوتِ خَيْرٌ مِنَ النَّدَمِ عَلَى الْكَلَامِ.

معنی: پشیمانی برای سکوت بهتر از پشیمانی برای سخن (حرف زدن) است.

اَللَّذُّمُّ: مبتدا / خَيْرٌ: خبر

۲- أَكْبَرُ الْخُمُقِ الْإِغْرَاقُ فِي الْمَدْحِ وَ الدَّم.

معنی: بزرگترین حماقت اغراق در ستایش و نکوهش است.

أَكْبَرُ: مبتدا / الْإِغْرَاقُ: خبر

۳- سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ.

معنی: سرور و بزرگ قوم، خدمتکار آنها در سفر است.

سَيِّدُ: مبتدا / خَادِمُهُمْ: خبر

۴- اَلْعِلْمُ صَيْدٌ وَ الْكِتَابَةُ قَيْدٌ.

معنی: علم شکار است و نوشتن قید و بند آن است.

اَلْعِلْمُ / الْكِتَابَةُ: مبتدا / صَيْدٌ / قَيْدٌ: خبر

۵- اَلصَّلَاةُ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ .

معنی: نماز کلید هر خوبی است.

اَلصَّلَاةُ: مبتدا / مِفْتَاحُ: خبر

جواب تمرین صفحه ۷۹ درس ۵ عربی دهم

♦ تمرین ششم _ السادس

ترجم اَلْجَمَلِ التَّالِيَةِ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُتَوْنَةِ. (مبتدا و خبر و فاعل و مفعول و مضاف إليه)

جملات زیر را ترجمه کنید و سپس مکان دستوری کلمات رنگی را مشخص کنید

مفهوم رنگ: فاعل | مفعول | مبتدا | خبر | مضاف إليه

۱- ﴿اتَّأَمَّرُونَ النَّاسَ بِأَنْفُسِهِمْ وَ تَتَّبِعُونَ أَنْفُسَكُمْ﴾

معنی: آیا مردم را به خوبی امر می‌کنید و خودتان را فراموش می‌کنید.

النَّاسَ: مفعول / أَنْفُسَ: مفعول

۲- ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾

معنی: خداوند تکلیف نمی‌دهد به کسی جز به اندازه‌ی توانش.

اللَّهُ: فاعل / نَفْسًا: مفعول

۳- صَدْرُ الْعَاقِلِ، صُنْدُوقُ سِرِّهِ .

معنی: سینه انسان عاقل، مخزن رازهای اوست.

صَدْرُ: مبتدا / الْعَاقِلِ: مضاف الیه / صُنْدُوقُ: خبر / سِرِّ: مضاف الیه

۳- خَيْرُكُمْ، خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَ أَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي.

معنی: بهترین شما، بهترین‌تان برای خانواده‌اش است و من، بهترین شما نسبت به خانواده‌ام هستم.

خَيْرُ: مبتدا (فاعل جمله اسمیه) / خَيْرُ: مبتدا

۴- حُسْنُ الْأَدَبِ يَسْتُرُ قُبْحَ النَّسَبِ.

معنی: با ادبی، بدی اصل و نسب را می‌پوشاند.

الْأَدَبِ: مضاف الیه / قُبْحَ: مفعول

۵- عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ.

معنی: دشمنی عاقل بهتر از دوستی نادان است.

عَدَاوَةُ: مبتدا / الْجَاهِلِ: مضاف الیه

۵- صَدْرُ الْعَاقِلِ صُنْدُوقُ سِرِّهِ.

معنی: سینه یک انسان عاقل، صندوق رازهای اوست.

الْعَاقِلِ: مضاف الیه / سِرِّ: مفعول

جواب بحث علمی صفحه ۸۰ درس پنجم عربی دهم

■ اِبْحَثْ عَنْ نَصِّ عِلْمِي قَصِيرٍ حَوْلَ عَظَمَةِ خَلْقِ اللَّهِ فِي الْبَرِّ أَوْ الْبَحْرِ أَوْ السَّمَاءِ

یک متن علمی کوتاه در مورد عظمت خلقت خداوند در خشکی، دریا یا آسمان پیدا کنید.

وَاللَّهُ يُبْسِطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَفَرَحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ.

و خداوند روزی را برای هر که بخواهد و قدر بداند آسان می‌کند و آنان به زندگی دنیا شادمان می‌شوند و زندگی دنیا در آخرت جز لذت نیست».

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ.

همانا در آفرینش آسمانها و زمین و آمد و شد شب و روز نشانه هایی است برای خردمندان».